



شرط حفظ معاهده استارت

معاون وزیر امور خارجه روسیه تاکید کرد بدون تغییر یافتن سیاست‌های ایالات متحده نسبت به کشورش چشم‌اندازی برای حفظ معاهده کنترل تسلیحاتی «استارت جدید» وجود نخواهد داشت. «سرگئی ریابکوف»، معاون وزیر امور خارجه روسیه روز جمعه خاطر نشان کرد اگر تغییر چشمگیری در سیاست آمریکا نسبت به روسیه وجود نداشته باشد در آن صورت هیچ‌گونه چشم‌اندازی برای حفظ معاهده «استارت جدید» (پیمان جدید کاهش تسلیحات استراتژیک) میان مسکو و واشنگتن وجود نخواهد داشت. ریابکوف به خبرنگاران بیان داشت: «ما اساساً معتقدیم زمانی که تغییرات اساسی در جهت بهتر شدن سیاست واشنگتن نسبت به روسیه به وجود نیاید، هیچ چشم‌اندازی برای حفظ این معاهده خاص وجود نخواهد داشت.» ریابکوف همچنین تصریح کرد، گمانه‌زنی‌های اخیر درباره مذاکرات واشنگتن و مسکو در مورد از سرگیری ارسال گاز روسیه به اروپا تأیید نمی‌کند.



درخواست برای آتش بس ۳۰ روزه

رئیس‌جمهور آمریکا خواستار آتش‌بسی ۳۰ روزه در اوکراین شده و تهدید کرد در صورتی که این آتش‌بس رعایت نشود، تحریم‌های جدیدی را اعمال خواهد کرد. «دونالد ترامپ»، رئیس‌جمهور آمریکا در پستی که در فضای مجازی منتشر کرد، اعلام کرد واشنگتن همچنان به مذاکرات با مسکو و کی‌یف متعهد بوده و خواستار آتش‌بس بی‌قید و شرط ۳۰ روزه در اوکراین است و تحریم‌های جدیدی را در صورتی که این آتش‌بس رعایت نشود، اعمال خواهد کرد. ترامپ در پستی که در رسانه اجتماعی «توت سوشال» منتشر کرد، نوشت: «مذاکرات با روسیه/اوکراین ادامه می‌یابد. آمریکا به طور ایده‌آل خواستار یک آتش‌بس ۳۰ روزه بی‌قید و شرط است. امیدواریم یک آتش‌بس قابل قبول رعایت شود و هر دو کشور از بابت احترام به قداست این مذاکرات مستقیم پاسخگو خواهند شد. اگر آتش‌بس مورد احترام قرار نگیرد ایالات متحده و شرکایش دست به اعمال تحریم‌های بیشتری خواهند زد.» رئیس‌جمهور آمریکا در این پست خود همچنین بر تعهدش به دستیابی به صلح بین روسیه و اوکراین در شاکت‌باشرکای اروپایی تأکید و نسبت به یک راه‌حل پایدار برای جنگ اظهار امیدواری کرد.



گفت‌وگوی پوتین و شی در مسکو

وزارت خارجه چین اعلام کرد که رؤسای‌جمهور روسیه و چین در دیداری غیررسمی در کرملین، درباره بحران اوکراین و دیگر موضوعات بین‌المللی گفت‌وگو و بر لزوم دستیابی به صلح پایدار از طریق گفت‌وگو تأکید کردند. وزارت خارجه چین دیروز اعلام کرد که «ولادیمیر پوتین» رئیس‌جمهور روسیه و «شی جین‌پینگ» رئیس‌جمهور چین در دیداری غیررسمی در کرملین درباره بحران اوکراین و دیگر مسائل جهانی تبادل نظر کرده‌اند. در بیانیه این وزارتخانه آمده است: «دور رئیس‌جمهور دولت دیدگاه‌های خود را درباره بحران اوکراین و سایر موضوعات مطرح کردند. شی جین‌پینگ تأکید کرد که چین در ارتباط با بحران اوکراین از مفهوم امنیت جهانی مشترک، جامع، مشارکتی و پایدار حمایت می‌کند.» چین معتقد است که نگرانی‌های امنیتی معقول همه کشورها باید جدی گرفته شود و باید به ریشه‌های بحران اوکراین پرداخته شود. همچنین پکن از تمامی تلاش‌ها برای صلح استقبال می‌کند و امیدوار است توافق عادلانه، پایدار و الزام‌آور از طریق گفت‌وگویی که برای همه طرف‌ها قابل قبول باشد، حاصل شود.

«شورای آتلانتیک» بود. رئیس‌جمهور ترامپ، وقتی در سال ۲۰۱۶ سوار بر موجی پوپولیست به قدرت رسید، جریان اصلی حرفه‌ای‌های امنیت ملی را تقبیح کرد و آن‌ها را به عنوان «نخبگان واشنگتن» که عاجزانه در تلاش برای حفظ قدرت خود هستند، کنار زد. آقای نای، آمریکا را تحت رهبری ترامپ در حال افول می‌دید. نای لیسانس‌اش را در سال ۱۹۵۸ در دانشگاه پرینستون گرفت و با بورسیه روز به آکسفورد رفت و تا دکترای علوم سیاسی ادامه داد، با پایان‌نامه‌ای درباره ظهور آفریقای شرقی پس از استعمار. مفهوم قدرت نرم، پای میز آشپزخانه و هنگام کار روی پاسخی به یک کتاب پرفروش در ذهن او شکل گرفت. کتاب پرفروش «ظهور و سقوط قدرت‌های بزرگ» از پل کندی، مورخ بریتانیایی، در سال ۱۹۸۸ مدعی بود ایالات متحده در افول بلندمدت است. آقای نای این نتیجه‌گیری تیره‌وتار را نمی‌پسندید. او پاسخش را در سال ۱۹۹۰ در کتابی به نام «موظف به رهبری» در سال ۱۹۹۰ تبیین کرد و بعدتر، کامل‌ترش را در کتاب «قدرت نرم» که مدعی بود، آمریکا جذابیت اغواگرانه‌ای بر دنیا اعمال می‌کند، نه فقط به خاطر کولاکولا و فیلم‌های هالیوود، بلکه به خاطر اینکه نماینده‌ای است برای دموکراسی، حاکمیت قانون و در اوجش، بشردوستی. در سال جاری، آقای نای با ناراحتی عمیق شاهد آن بود که رئیس‌جمهور ترامپ، با محدودیت کمتر نسبت به دوره اولش، ابزارهای اساسی قدرت نرم ایالات متحده را از هم می‌زدود، شامل کمک‌های غذایی و دارویی به کشورهای خارجی و نیز «صدای آمریکا» آقای نای در مصاحبه‌ای چند روز قبل از مرگش به سی‌ان‌ان گفت: «متأسفانه رئیس‌جمهور ترامپ قدرت نرم را نمی‌فهمد. به دوران جنگ سرد فکر کنید: بازآرندگی هسته‌ای آمریکا و حضور سربازان آمریکایی در اروپا کلیدی بود؛ اما وقتی دیوار برلین فرو ریخت، زیر رگبار توپخانه‌ها نبود. زیر چکش‌ها و بول‌دوزرها فرو ریخت، به دست کسانی که صدای آمریکا بی‌بی‌سی، نظرات‌شان را تغییر داده بود.»

ترجمه: روح اله نخعی

رویدادهای جاری و توضیح آنها چابک‌تر شود. واحدهای پخش جدید مانند رادیو ساوا، که اخبار را با موسیقی عامه‌پسند در هم می‌آمیزد، گامی در مسیر درست است، اما آمریکایی‌ها باید یاد بگیرند که با رسانه‌های عربی مانند الجزیره به‌طور مؤثرتری همکاری کنند. در میان‌مدت، سیاست‌گذاران آمریکایی باید چند موضوع استراتژیک کلیدی را تدوین کنند تا سیاست‌های ایالات متحده را بهتر توضیح دهند و ایالات متحده را به عنوان یک ملت دموکراتیک به «برند» تبدیل کنند. به‌عنوان مثال، می‌توان با اشاره به مداخلات ایالات متحده در بوسنی و کوزوو که جان مسلمانان را نجات داد و کمک به کشورهای مسلمان برای تقویت توسعه و مبارزه با فقر، به این اتهام که سیاست‌های ایالات متحده نسبت به نابودی مسلمانان بی‌تفاوت است، پاسخ داد. همان‌طور که ویلیام برنز، معاون وزیر امور خارجه در امور خاور نزدیک، اشاره کرده است، تغییر دموکراتیک باید در «یک دستور کار مثبت گسترده‌تر برای منطقه، در کنار بازسازی عراق، دستیابی به چشم‌انداز دوکشوری برای اسرائیلی‌ها و فلسطینی‌ها و نوآوری اقتصادهای عرب» گنجانده شود.

مهم‌ترین چیز، یک استراتژی بلندمدت است که حول محور تبادلات فرهنگی و آموزشی بنا شده است تا یک جامعه مدنی غنی‌تر و بازتر در کشورهای خاورمیانه ایجاد کند. برای این منظور، مؤثرترین سخنگوها لزوماً آمریکایی‌ها نیستند، بلکه گزینه‌های بومی هستند که فضائل و معایب آمریکا را درک می‌کنند. شرکت‌ها، بنیادها، دانشگاه‌ها و سایر سازمان‌های غیردولتی - و همچنین دولت‌ها - همگی می‌توانند به توسعه جامعه مدنی ساز کمک کنند. شرکت‌ها می‌توانند فناوری لازم برای نوسازی سیستم‌های آموزشی را ارائه دهند. دانشگاه‌ها می‌توانند برنامه‌های تبادل فرهنگی بیشتری برای دانشجویان و اساتید ایجاد کنند. بنیادها می‌توانند از مؤسسات مطالعات آمریکایی و برنامه‌هایی برای ارتقای حرفه‌ای گری روزنامه‌نگاران حمایت کنند. دولت‌ها می‌توانند از آموزش زبان انگلیسی حمایت کنند و تبادل دانشجویان را تأمین مالی کنند.

به‌طور خلاصه، مسیرهای زیادی برای یک استراتژی بلندمدت مؤثر برای ایجاد منابع قدرت نرم و شرایط دموکراسی وجود دارد. البته، حتی بهترین تبلیغات نیز نمی‌توانند یک محصول نامحبوب را بفروشند: یک استراتژی ارتباطی اگر خلاف جریان سیاست باشد، کار نخواهد کرد. دیپلماسی عمومی مؤثر نخواهد بود مگر اینکه سبک و محتوای سیاست‌های ایالات متحده با یک پیام دموکراتیک گسترده‌تر سازگار باشد. قابل توجه‌ترین شکست ایالات متحده، اولویت پایین و کمبود منابعی است که به تولید قدرت نرم اختصاص داده است. هزینه ترکیبی برنامه‌های دیپلماسی عمومی وزارت امور خارجه و پخش بین‌المللی ایالات متحده کمی بیش از یک میلیارد دلار است که حدود چهار درصد از بودجه امور بین‌الملل کشور را تشکیل می‌دهد. این مجموع حدود سه درصد از هزینه‌های ایالات متحده برای گردش اطلاعات و یک چهارم از یک درصد از بودجه نظامی این کشور است. اگر واشنگتن فقط یک درصد از هزینه‌های

وزیر خارجه از سال ۱۹۷۷ تا ۱۹۷۹، او در دوران رئیس‌جمهور بیل کلینتون در سال ۱۹۹۳ به دولت بازگشت تا رئیس شورای اطلاعات ملی شود؛ شورایی که برآوردهای اطلاعاتی را برای رئیس‌جمهور هماهنگ می‌کند. در سال ۱۹۹۴، به سمت دستیار وزیر در امور امنیت بین‌المللی در پنتاگون منصوب شد. آنجا با همکاری‌اش، در لحظه‌ای که روابط ایالات متحده و ژاپن در فرازونشیب بود، سیاست جدیدی برای آسیا تدوین کرد. آنچه بعدها به عنوان «ابتکار نای» شناخته شد، تعهد نظامی آمریکا به آسیا و اتحاد آمریکا و ژاپن را به عنوان خاخریزی در مقابل چین و کره شمالی، تثبیت کرد. آقای نای به عنوان پدر معنوی نئولیبرالیسم در سیاست خارجی نیز شناخته می‌شود. در سال ۱۹۷۷، به همراه رابرت کیوهین، کتابی با نام «قدرت و وابستگی متقابل» نوشت. این کتاب تأکید کرد، قدرت نظامی، نیروی روبه‌نزول است و ملت‌ها می‌توانند دنیای آرام را با نهادهایی جهانی مانند سازمان ملل متحد و سازمان تجارت جهانی تضمین کنند. این کتاب، چهار دهه کتاب درسی دانشجویان تحصیلات تکمیلی در رشته حکمرانی بود. آقای نای که در سال ۱۹۶۴ به دانشکده هاروارد پیوست، از سال ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۴ رئیس دانشکده حکمرانی کندی بود. او تلاش کرد، زنان و نیز جمهوری خواهان بیشتری در مناصب این دانشکده قرار گیرند. جرمی واینستین، رئیس کنونی دانشکده کندی، این هفته در ایمیلی خطاب به همکاری‌اش چنین نوشت: «او کمک کرد این نهاد به چیزی که امروز هست تبدیل شود، درحالی که داشت رشته روابط بین‌المللی را متحول می‌کرد.» نای در ایده‌هایش و در جایگاه‌های حرفه‌ای‌اش، عضو ویژه ساختار سیاست خارجی بود؛ عبارتی که البته گاهی به عنوان تعبیری منفی به کار می‌رود، به معنای اجماعی دوحزبی بین جمهوری خواهان و دموکرات‌ها درباره اهمیت جهانی‌سازی در اقتصاد و در روابط جهانی، او رهبر سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی شامل «کمیسون سه‌جانبه»، «گروه راهبردی اسپن» و

The New York Times

۲۰۰۵ او توضیح داد: «اغوا همیشه از اجبار مؤثرتر است و بسیاری از ارزش‌های ما، از قبیل دموکراسی، حقوق بشر و فرصت‌های فردی، عمیقاً اغواگرند.» ابزارهای قدرت نرم شامل دیپلماسی، کمک‌های اقتصادی و اطلاعات مؤثر هستند، اطلاعات مؤثر مانند آنچه در «صدای آمریکا» ارائه می‌شود. او تفکراتش را در کتابی در سال ۲۰۰۴ تشریح کرد، به نام «قدرت نرم: ابزار موفقیت در سیاست جهان». بینش آقای نای، در میان رهبران سیاسی فرانسوی مرزهای ایدئولوژیک و ملی رواج بسیار یافت. نیوت گینگریج، جمهوری خواه محافظه‌کار و نیز رئیس‌جمهور چین در سال ۲۰۰۷، ارجاعاتی تأییدآمیز به آن داشتند. آقای نای برای صرف شام به پکن دعوت شد و آنجا وزیر خارجه از او پرسید چین چگونه می‌تواند قدرت نرمش را افزایش دهد. استرالیا در دیپلماسی‌اش بازنگری کرد تا قدرت نرم را نیز در آن بگنجانند و داستان فرهنگ استرالیایی را برای جهان روایت کند. درک شیرر، استاد دیپلماسی در کالج اکسیدنال لس‌آنجلس در ایمیلی [به نیویورک تایمز] درباره او گفت: «کتاب مهم جو درباره قدرت نرم یکی از معدود کتاب‌هایی است که یک دانشمند علوم سیاسی درباره روابط بین‌الملل نوشته و روی دنیای واقعی، فراتر از دانشگاه، اثرگذار بوده است. هیلاری کلینتون، در سال ۲۰۰۹ و در جلسه رأی اعتمادش برای وزارت خارجه، در توضیح نحوه مبارزه‌اش با تروریسم اسلام‌گرا در جهان، ۱۳ بار از عبارت «قدرت هوشمند» استفاده کرد. این هم مفهوم دیگری بود که آقای نای شکل داد، به معنای ترکیب ابزارهای قدرت سخت و نرم. نفوذ آقای نای را می‌توان با حجم ادای احترامی که بلافاصله بعد از مرگش، در شبکه‌های اجتماعی منتشر شد، سنجید. آنتونی بلینکن، وزیر خارجه دولت بایدن، او را «دوست و مرشد خیلی‌ها از جمله من» توصیف کرد. آمیرال جیمز استاوریدیس، فرمانده عالی سابق متفقین ناتو گفت: «جو نای، سراسر زندگی‌م فوق‌العاده با من مهربان بود.» آقای نای، اولین بار در دوران کارتر وارد دولت شد، به‌عنوان معاون

نرم آمریکا

حبوبیتش در سطح جهان باشد؟

که اقتصادهای منطقه‌ای را باز می‌کنند، کنترل‌های بوروکراتیک را کاهش می‌دهند، رشد اقتصادی را سرعت می‌بخشند، سیستم‌های آموزشی را بهبود می‌بخشند و انواع تغییرات سیاسی تدریجی را که در حال حاضر در کشورهای کوچکی مانند بحرین، عمان، کویت و مراکش در حال انجام است، تشویق می‌کنند. توسعه روشنفکران، گروه‌های اجتماعی و در نهایت کشورهایی که نشان می‌دهند دموکراسی لیبرال با فرهنگ مسلمانان مغایرت ندارد، تأثیر مفیدی مانند تأثیری که در ژاپن و کره جنوبی داشت را به همراه خواهد آورد. اما این اثر نمایشی به زمان نیاز دارد - و به کارگیری ماهرانه منابع قدرت نرم توسط ایالات متحده در هماهنگی با سایر دموکراسی‌ها، سازمان‌های غیردولتی و سازمان ملل متحد؛ همچنین مسئله امدادگران بسیار مهم است.

FOREIGN AFFAIRS

به‌طور خلاصه، مسیرهای زیادی برای یک استراتژی بلندمدت مؤثر برای ایجاد منابع قدرت نرم و شرایط دموکراسی وجود دارد. البته، حتی بهترین تبلیغات نیز نمی‌توانند یک محصول نامحبوب را بفروشند: یک استراتژی ارتباطی اگر خلاف جریان سیاست باشد، کار نخواهد کرد.

دیپلماسی عمومی مؤثر نخواهد بود مگر اینکه سبک و محتوای سیاست‌های ایالات متحده با یک پیام دموکراتیک گسترده‌تر سازگار باشد

پس از حادثه ۱۱ سپتامبر، آمریکایی‌ها با این سوال مواجه شدند که «چرا آنها از ما متنفرند؟» اما واقعیت این است که خیلی‌ها در خاورمیانه از ایالات متحده متنفر نیستند. همان‌طور که نظرسنجی‌ها به طور مداوم نشان می‌دهند، بسیاری از مردم خاورمیانه از سیاست‌های ایالات متحده می‌ترسند، آن را درک نمی‌کنند و با آن مخالفند، اما با این وجود ارزش‌های آمریکایی و جنبه‌های خاصی از فرهنگ آمریکایی را تحسین می‌کنند. با این حال، ایالات متحده به رهبر جهان در ارتباطات، در تشخیص و بهره‌برداری از چنین فرصت‌هایی ناکارآمد بوده است.

در سال ۲۰۰۳، یک گروه مشاوران دوحزبی در حوزه دیپلماسی عمومی برای جهان عرب و اسلام به این نتیجه رسید که ایالات متحده تنها ۱۵۰ میلیون دلار برای دیپلماسی عمومی در کشورهای با اکثریت جمعیت مسلمان هزینه می‌کند و از این میزان تنها ۲۵ میلیون دلار برای برنامه‌های اطلاع‌رسانی هزینه می‌شود. به گفته این گروه مشاوره، «کاملاً واضح است که این منابع مالی برای انجام این کار ناکافی است.» آنها انتصاب یک مدیر جدید دیپلماسی عمومی در کاخ سفید، ساخت کتابخانه‌ها و مراکز اطلاعاتی، ترجمه کتاب‌های غربی بیشتر به عربی، افزایش تعداد بورسیه‌ها و کمک‌هزینه‌های تحصیلی و آموزش بیشتر به عرب‌زبانان و متخصصان روابط عمومی را توصیه کردند.

توسعه دیپلماسی عمومی مؤثر باید شامل استراتژی‌هایی برای کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت باشد. در کوتاه‌مدت، ایالات متحده باید در پاسخ به